

## مبانی تزئینات در حرم کاظمین (علیهما السلام)

حسن بلخاری قهی \*

### درآمد

این بحث نیاز به مجالی مبسوط‌تر دارد، اما در اینجا گزیده‌ای از آن ارائه خواهد شد. این بحث مبتنی بر تجربه عینی و عملی نگارنده از کاظمین است. در سال ۱۳۹۳ شرکت فرامکان دو رواق در صحن اصلی کاظمین ساخت و از نگارنده خواسته شد که بخش مبانی تزئینات و چگونگی تحقق آنها را مدیریت کنم. به همین جهت، کارگروهی تشکیل شد که به تدوین مبانی و اصول تزئینات در اعتاب مقدسه شیعی پرداخت. در این مجال گزارشی از آن را ارائه می‌کنم.

در حوزه هنر و معماری تمدن اسلامی، معماری موضوعیت دارد. البته در تداوم عمل و کار چنان نسبت وثیقی میان هنر و معماری ایجاد شده است که امکان بحث در باب تقدم یا تأخر سازه بر تزئینات یا تزئینات بر سازه بی‌معنا و بی‌مناست و به یک وحدت میان سازه و تزئینات و میان ساختار و زیبایی می‌رسیم. اما به هرحال، بنا به مسائل و مفاهیم مصرحی که در متن آیات قران و روایات و همچنین سنت عملیه مسلمین وجود دارد، معماری به عنوان بستری برای ظهور انواع تزئینات به شمار می‌رود. از این رو، در خدمت حضرت معنا، معماری جایگاه وسیع‌تری دارد.



\* استاد دانشگاه تهران و رییس کارگروه هنر و معماری کمیته علم و فناوری آستان قدس رضوی و

رییس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

hasan.bolkhari@ut.ac.ir

## وجوه بنای مقدس

نکته دیگر این است که وقتی از بنای مقدس صحبت می‌کنیم، منطقاً از دو وجه آن سخن می‌گوییم: وجه ساختاری و وجه زیبایی‌شناختی؛ بین این دو وجه، وحدت وجود دارد. مطلقاً نمی‌توان با تزئینات در القای یک معنا، خلاف سازه عمل کرد و بالعکس. ضمن اینکه پرسش بسیار مهمی در حوزه فلسفه معماری وجود دارد که در طراحی و تزئینات، کارکرد محور است یا معنا؟ بحث درباره پاسخ این پرسش همچنان ادامه دارد. به این امر نیز باید دقت داشت که اگر ظرف ۱۰۰ سال گذشته در بنایی مانند مشهد، سیاست‌های درست یا غلط باعث خلق سازه‌هایی شده و حرم در این میان محبوس گشته، مینا فقط و فقط کارکرد بوده و ایجاد حس زیارت اصل به شمار نمی‌رفته است. این امر مهم است که توجه کنیم در زمان کنونی به سهولت می‌توان آن را تغییر داد. باید میلیاردها ریال هزینه شود تا کل این ساختار نادرست اصلاح شده و حرم به عنوان منظره از تمامی اطراف و اکناف قابل رؤیت و سلام باشد. باید تمام سازه تغییر کند و بنیادها دوباره طراحی شود.

این داستان غم‌انگیز در حوزه هنر و معماری است که در نهایت، کارکرد، فرم را تولید می‌کند یا اینکه معنا باید فرم را تولید کند؟ اگر فارغ بال باشیم، منطقاً پاسخ معناست، اما اگر فارغ بال نباشیم و اسیر سیاست‌های نادرست گذشته باشیم، در آن صورت کاری از دست‌مان برمی‌آید، مگر اینکه تلاش کنیم کارهای جدید بر اساس مبانی باشد. منظور از قوانین این است که ما معماری خطی داریم که نمونه‌اش می‌شود بازار. طراحی بازار در معماری اسلامی بر بنیاد یک معناست که جهان و ماده محل گذر است و نیز معماری نقطه‌ای که بنیادش بر متمرکز است و نمونه آن معماری مسجد. معماری مسجد بر اساس یک مبانی بنیادینی است که «والاخره خیر لک و یبقی» یعنی آنچه که می‌ماند در حقیقت معنایی است که در فضای مقدس مانند زیارت و مسجد تحصیل می‌کنید.

بنابراین طراحی معماری متأثر از این معنا، بازار را طولی و خطی می‌سازد که تصویر گذر و عبور است. همچنین مسجد را با معماری نقطه‌ای می‌سازد که به

روح انسان متمرکز، سکون و آرامش را القا می‌کند. ما معتقدیم که فضا به رفتار انسان جهت می‌دهد و اگر طراحی فضا بر اساس مبانی اعتقادی و روان‌شناختی باشد، نه تنها رفتار بلکه منطبق با کارکرد فضا، روحیه انسان را هموار می‌کند. این چیزی است که در فلسفه معماری وجود دارد.

در زمینه زیبایی‌شناختی، اگر مقرنس و رنگ‌های مقدس ما در حمام، بازار و مدرسه استفاده می‌شود، از یک مبانی بنیادین سخن به میان می‌آورد که در آن چیزی جز عبادت نیست. نظافت چیزی جز عبادت نیست. تجارت چیزی جز عبادت نیست. وجود فضای قدسی مسجد در بازار که محل تجارت است، می‌تواند القای یک رفتار خاص باشد که کنش تو جز عبادت نیست. از این رو، منظور از مبانی این گونه نکات است.

این امر در فرهنگ‌های دیگر نیز وجود دارد. یک نقاش چینی شش اصل دارد. بر روی یک اصل آن، هزار سال کار شده است، اما در کل تاریخ تمدن اسلامی یک جزوه نداریم که مبانی تدوین شده ارائه کند. جسته و گریخته مواردی وجود دارد، اما هیچ‌گاه شکل مدون پیدا نکرد. این در حالی است که در چین این‌گونه اصول ۱۵۰۰ سال سابقه تدریس دارد. در آن بستر، اصل اول، مراقبه، اصل دوم، ضربه زدن با قلم و... بیان شده است. در این بحث نگارنده بیشتر به دنبال تدوین مبانی این چنین است. این مبانی بنیادین باید بحث و بررسی شود و به صورت یک مکتب مدون محقق گردد.

## مبانی بنیادین و عام طراحی عتبات مقدسه عالیات

مبانی بنیادین چهارده‌گانه‌ای در این زمینه طرح کرده‌ایم که عبارت‌اند از:

۱. وحدت قالب و محتوا؛ مطلقاً طراحی نقش و سازه نباید خلاف متمرکز معنوی زیارت باشد. در طراحی اسلامی تمامی عناصر به کاررفته باید یک کل واحد باشد؛ نشان اصل عظیم توحید و هر یک در کنار هم بیان‌کننده معنای وجود آن، وحدت قالب و محتوا باشد.

با یک نمونه می‌توان وحدت قالب و محتوا را که در معماری اسلامی بسیار مهم است، توضیح داد. اگر از



شما بپرسند بنیادی‌ترین عبادت در اسلام چیست پاسخ می‌دهید نماز است، زیرا «الصلاه عمود الدین». نماز نشان بندگی است و نشان بندگی عالی‌ترین نشان در اسلام است. «اشهد أن محمداً عبده و رسوله»؛ بندگی پیغمبر مقدم بر رسالت اوست. بنده نشود، رسول می‌شود. اگر نماز اصلی‌ترین عبادت و بندگی شأن مطلق باشد، بنا به دلیل ضرورت تطبیق قالب، یعنی همین حرکاتی که ما در نماز انجام می‌دهیم، با محتوا که حقیقت بندگی است، شما باید رکوع و سجده داشته باشید. منظور من از تطبیق محتوا و قالب، ایده و ظرف، معنا و ساختار دقیقاً همین است. اگر غایت بندگی است، خاکساری در شکل و فرم، نماد این بندگی است.

در اینجا مجالی برای این امر نیست که بر روی وجه آسمانی کعبه که طراحش خود حضرت حق است، بحث کنیم. در قرآن خداوند استاد فرم می‌شود و نه الزاماً معنا؛ استاد فرم و ساختار هندسه می‌شود. باری تعالی در ساختن کشتی نوح می‌فرماید: «واصنع الفلک باعیننا و وحینا» (کشتی را تحت نظر ما و به وحی ما بساز) جزییات «واصنع الفلک باعیننا» را در کتاب پیدایش تورات پیدا کنید. با در نظر گرفتن امکان تحریف، حتی نسبت به رنگ روی پرده‌های خانه خدا و هیکل سلیمان آیه وجود دارد.

اگر در حوزه هنر و معماری اسلامی، چشم باز کرده و عمیق بررسی کنیم، حتی می‌توان در فرم مبنا یافت و استخراج کرد. در اینجا ۵۰ تا ۶۰ نمونه وجود دارد و برای اینکه با کار آشنا شوید، نمونه ارائه می‌کنم.

۲. عالم غیب در جلوه‌های قدسی: طرح و نقش باید نشانی از عالم غیب در جلوه‌های قدسی باشد. جامع‌ترین تعریف هنر و معماری، تنزیل و ترجمه امر معقول در جمال محسوس است. در سلسله مباحثاتی که با آیت‌الله جوادی آملی داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که هنر و ادبیات چیزی جز این نیست. انسان فطرتاً به دنبال امر مجرد معقول است. انسان در پی کشف و رسیدن به ماده نیست. اگر به دنبال آن معنای معقول مجرد حس‌گریز هستیم، تنها چیزی که می‌تواند این امر مجرد را در قالب محسوس به ما ارائه دهد، هنر و معماری است. هنر ترجمه امر معقول در جمال محسوس



است. منظور هر محسوسی نیست؛ محسوسی که روح را برانگیزد. برانگیختگی یکی از اهداف و غایات هنر و معماری اسلامی است. باید روح کسی که در یک مکان مقدس حاضر می‌شود، چنان برانگیخته شود که زمینه ظهور حس زیارت نیز فراهم گردد.

این گونه نکات افسانه نیست. شهر اصفهان این‌گونه است. خود کعبه به عنوان طراحی خداوند این‌گونه است. بحث فرم «واصنع الفلک» را در اینجا به سرانجام می‌رسانم. طراح اصلی کعبه کیست؟ چرا حرکت انسانی مدور و عامل وسط مکعب است؟ نسبت این مدور و مکعب در هندسه مقدس چیست؟ در «انا خلقناه کل شی بقدر»؛ ما همه اشیا را در عالم به هندسه آفریدیم. حضرت امام رضا(ع) از یکی از شاگردان می‌پرسد: «أتعلم ما القدر؟ قال: لا. قال: هی الهندسه».

این هندسه بحث مهمی دارد. مگر می‌شود روح انسان مأنوس با ظرف نشود. از این‌رو، در قلمرو دوم بحث این است آنکه طراحی می‌کند مشرف به آن معنای معقول و در عین حال، مشرف به هندسه، آن معنای معقول را در جمالی به مخاطب ارائه دهد؛ آن چنان که حس زیارت، تمرکز و عبودیت را در او برانگیزاند. کعبه بنا به معماری ساده‌اش چنین می‌کند. ما نمی‌دانیم و گاهی چنان تزیین یا کارکرد را غلبه داده‌ایم که حس زیارت گم شده است.

۳. نقش رسولی: طرح و نقش باید نقش رسولی را ایفا کند که معنایی متعالی از حقایق دینی را در صورت فرم و نقش به مخاطب انتقال می‌دهد. بنابراین نقش‌ها مطلقاً تزیینی نیستند. هر کسی که می‌گوید هنر اسلامی فرمالیستی صرف است، اشتباه می‌کند. فرم‌گرایی در هنر اسلامی و تزیین اهمیت دارد، اما تزیینات و فرم‌ها نقش مطلقاً استخدای دارند و در خدمت حضرت معنایند.

۴. هادی و هدایت‌کننده ارتباط قلبی زائر با توحید الهی و مظاهر نورانی حضرت حق (معصومین علیهم‌السلام): بر بنیاد اصل سوم، طرح و نقش نباید به گونه‌ای باشد که زائر را محو و به خود معطوف دارد، بلکه باید هادی و هدایت‌کننده ارتباط قلبی او با توحید الهی و مذاهب نورانی حضرت حق باشد.

۵. عدم به‌کارگیری طرح‌ها به صورت اندام‌واره یا

۱. تجلی ولایت و تولی و تبری (ارادت)

۲. تجلی عصمت

۳. تجلی مهدویت و انتظار

۴. تجلی ادعیه و احادیث و فقاہت شیعی

۵. تجلی حکمت و عرفان شیعی

۶. تجلی توسل و شفاعت

۷. تجلی شهادت

### گام سوم تزئینات

از آنجایی که موضوع کار ما حرم امام جواد(ع) و امام کاظم(ع) بود، در گام سوم، استخراج مشخصات و ویژگی‌هایی که این دو امام داشتند، بررسی شد و در اختیار طراحان قرار گرفت. این دو رواق در کاظمین بعد از یک کار چهارساله افتتاح گردید. تقریباً در تمامی نمادها، اعداد و اذکار و نیز آیاتی با محوریت اسلام، شیعه و امام هفتم و نهم انتخاب شد. برای نمونه با عدد ۸ که میان اعداد ۷ و ۹ قرار دارد و مربوط به امام رضا(ع) است و از طرفی ایشان فرزند یکی از آن بزرگواران و پدر بزرگوار دیگری است، نمادهایی با این عدد ساخته شد.



در گام سوم، مبانی مطروحه در حیات دو امام در حوزه طراحی و تزئینات مانند کنیه‌ها و القاب استخراج شد. نگین انگشتی هر دو امام در تحقیقات کشف و از آنها در نمادسازی و طراحی تزئینات دو رواق استفاده شد. همچنین از آیات و سور قرآنی با مضامین اعتقاد شیعی که در برگزیده القاب مشهور دو امام شریف باشد، استفاده گردید؛ مانند «والکاظمین الغیظ» یا «والعاقین الناس». احادیث شیعی در تزئینات و کتیبه‌نگاری‌ها بسیار استفاده شد؛ مانند حدیث ثقلین و روایات مأثوره از امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) که در مجالی مفصل‌تر قابل ارائه است.

احکام و قواعد نظری و اشارات ذوقی در باب طراحی آرایه‌ها و کتیبه‌های حرمین کاظمین به شرح زیر است:  
۱. الهام از عدد امامت و یا عدد عصمت امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع) در تزئینات هندسی و طراحی  
۲. استفاده از القاب و کنیه‌های ایشان در کتیبه‌های

فرعی و اشکال هندسی

۳. الهام از نقش انگشتی ایشان در کتیبه‌ها

فیگوراتیو و تعیین فردی: طرح‌ها و نقش‌های به‌کاررفته

نباید اندام‌واره یا فیگوراتیو بوده و تعیین فردی بیابند.

۶. بازتاب جلوه‌های جلالی و جمالی خداوند در

طبیعت و هستی

۷. لحاظ شدن و ظهور جلال، جمال، عظمت، شکوه،

شان، صفا، خلوت و جلوت

۸. از یک سو رمزی و قابل تأویل و از سوی دیگر قابل

ارائه به صورت نمادهای اسلامی

۹. در طراحی، مکاتب هنری و معماری ایران چون

مکتب تیموری، صفوی و مکتبی چون مکتب هرات و

مکتب تبریز

۱۰. توجه تام و تمام به هندسه مقدس

۱۱. نور و آب دو رکن معنایی و کارکردی مطلق معماری

اسلامی

۱۲. آداب زیارت و حضور زائران و به ویژه نقطه دید

آنان

۱۳. استفاده از شمشه‌ها با اعداد شیعی نظیر پنج،

هشت، ده، دوازده، چهارده

۱۴. روح سنت و مکاتب خوشنویسی اسلامی

### اصول موضوعه حاکم بر هنر و معماری اسلامی

۱. اصل وحدت

۲. اصل زوجیت

۳. اصل تعادل و تناسب

۴. اصل خلأ و بی‌زمانی

۵. اصل رمزپردازی

۶. اصل هندسه مقدس

۷. اصل قرآن محوری و ذاکرانه بودن

۸. اصل طهارت و تزکیه نفس علت فاعلی

۹. اصل سلسله مراتب وجودی علت مادی

۱۰. اصل معناگرایی غایی

۱۱. اصل هم‌زیستی معقول با طبیعت

۱۲. اصل انسان‌شناسی مبتنی بر انسان خلیفه‌اللهی

### مؤلفه‌های هنر و معماری شیعی

اگر شما وارد حوزه شیعه شوید، با مؤلفه‌های زیر

روبه‌رو خواهید شد:

۴. استفاده از آیات و سور قرآنی با مضامین اعتقادات شیعی
۵. استفاده از آیات دربرگیرنده القاب مشهور این دو امام بزرگوار
۶. استفاده از احادیث عام شیعی در تزئینات و کتیبه نگاری ها
۷. استفاده از احادیث و روایات مأثوره از ایشان
۸. استفاده از اذکار و ادعیه شیعی در تزئینات و کتیبه نگاری ها
۹. استفاده از اذکار و ادعیه خاص امام موسی کاظم(ع) و امام جواد(ع)
۱۰. استخدام حقیقت رضوی در تزئینات و کتیبه نگاری ها
۱۱. استخدام حقیقت مهدوی در تزئینات و کتیبه نگاری ها
۱۲. استفاده از رمزپردازی‌های عددی مبتنی بر قواعد و اصول علم جفر و جمل و اوفاق و علم الحروف و هکذا
۱۳. استفاده از قواعد نوریه مبتنی بر آیات قرآنی و تأویلات حکمی و عرفانی شیعی
۱۴. استفاده از رمزپردازی‌های رنگی مبتنی بر حکمت و عرفان شیعی

